

خاستگاه اخلاقی مفهوم «خطا» در حقوق رومی، کامن لا، نظام فقهی و نقش آن در حقوق ایران

The moral origin of the concept of "wrong" in Roman law, common law, jurisprudence and its role in Iranian law

نویسنده:

اسماعیل کشاورز صفی ئی

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

Assistant Professor, law Department, Islamic Azad University, Qazvin Branch

چکیده

مبانی فلسفی درست یا خطا بودن اعمال در مکاتب فلسفی حقوق متعدّدند. این سؤال اساسی مطرح است که معیار درست یا خطا بودن فعلی در فلسفه حقوق چیست؟ در پاسخ به این سؤال دیدگاه‌های مختلفی در حقوق غرب و اسلام وجود دارد. تعلیل پذیری احکام در چارچوب نظریه مقاصد الشریعه و غایت گرایی اخلاقی دو نظریه شایع در حقوق اسلام هستند. در حقوق اسلام در چارچوب نظریه مقاصد الشریعه، عمل خطا یا عمل درست، بستگی به مصلحت یا مفسده‌ای است که به عنوان پیامد آن عمل منتج می‌شود. در حقوق غرب نیز در چارچوب دو نظریه کلان حقوق طبیعی و پوزیتیویسم حقوقی می‌توان از رویکردهای مختلفی در پاسخ به این سؤال صحبت نمود. وظیفه گرایی افلاطونی، رواقی و کانتی از نظریات شایع حقوق رومی و نتیجه گرایی، تجربه گرایی، احساس گرایی، فایده گرایی، لذت گرایی و عمل گرایی (پراگماتیسم) نیز از شایع ترین مکاتبی هستند که در بستر پوزیتیویسم حقوقی انگلستان و آمریکا مطرح و توسعه یافته‌اند. مفهوم خطا در نظام حقوقی ایران ترکیبی از وظیفه گرایی حقوق رومی و نتیجه گرایی نظام فقهی است. رهاورد این ترکیب دوگانه، بروز تضاد در مبنای طبقه بندی نظام حقوقی ایران است فرض اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که هریک از مکاتب فلسفی حقوق با توجه به برداشتی که از مفهوم درست و خطا دارند نظام حقوقی متفاوتی را در این زمینه بنا نهاده‌اند.

واژگان کلیدی: خطا، حقوق طبیعی، پوزیتیویسم حقوقی، وظیفه گرایی، نتیجه گرایی

در آثار اندیشمندان رواقی، عقل طبیعی جای عالم مثل افلاطون را گرفت. حقوقدانان رومی نیز که تحت تأثیر مکتب رواقیگری قرار گرفته بودند سلسله مراتبی از هنجارهای حقوقی را ارائه نموده و مفهوم قانون طبیعی^۶ را بعنوان حقوقی که از طبیعت انسانی ناشی می شود، و میان انسانها مشترک بود را ارائه نمودند. (Javid 2007:44) بر اساس نقطه نظر حقوق دانان و متفکرین رواقی در حقوق رومی، انسانها دارای تکالیف ثابت اخلاقی هستند که قانون طبیعت برعهده انسان گذاشته است و این قانون طبیعت چیزی جز مطابقت رفتار انسان با عقل طبیعی او نیست. خطا بر پایه تفکرات فلسفی حاکم بر اندیشه رواقی فیلسوفان و حقوق دانان رومی از سه ویژگی بسیار مهم بر خوردار بود که شامل وظیفه گرایی، ذهن گرایی و خرد گرایی می شد.

۱-۱-۱- وظیفه گرایی

وظیفه گرایی^۷ در سنت رواقی- مسیحی، انسان دارای تکالیف ثابت و از پیش تعیین شده ای تحت قوانین طبیعی- الهی مبتنی بر عقل است که نقض آن تکالیف، موجب مسئولیت خواهد بود. در اندیشه لوکرتیوس و سیکرو، باید ها و نبایدها به عنوان تکالیف و تعهدات انسان، در چهارچوب قانون تعریف می شوند و برای اینکه بتوانند به هدف خود مبنی بر پیروی آحاد جامعه از تکالیف و تعهدات خود برسند، می بایست از خصیصه الزام آور بودن و ضمانت اجرای تخلف از رعایت آنها برخوردار باشند. در واقع آنچه امروزه شناسنامه کشورهای حقوق نوشته تلقی می شود را باید در میراثی جستجو کرد که رومی ها از یونانی ها در باب اندیشه قانون به ارث بردند. (Wieacker, 1981: 264) هدیه ای که خوی توحش را در رومی ها خنثی و روح دلبستگی به قانون را در کالبد جامعه نوپیدای آنها دمید که نقطه اوج آن تدوین الواح دوازده گانه و بعدها کدهای ژوستینین بود.

در واقع می توان گفت مبنای شکل گیری مفهوم تعهد در حقوق رومی و تقسیم بندی منابع تعهدات تأثیر اندیشه رواقی در حقوق دانان سرشناسی چون سیکرو، سنکا و گایوس بود که معتقد به وجود تکالیف و تعهداتی ثابت و از پیش تعیین شده برای انسان بر اساس قانون طبیعت بودند. (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴۹۱-۵۰۰) قانونی که مبتنی بر عقل مشترک بین تمامی انسانها است. به عقیده سنکا انسان عاقل آن است که آگاهانه ارزش های برتر و درست یا دنبال کند و رفتارهای شریانه و خطا پرهیز کند. اموری که بر وفق طبیعتند اموارزشمند و اموری که بر خلاف طبیعتند اموری است که بی ارزش و خطا محسوب می شوند. ملاک موافق یا مخالف طبیعت بودن عقل و خرد مشترک بین انسانهاست.

۱-۱-۲- ذهن گرایی

^۶ . Jus naturale.
 .Deontology^۷

ذهن گرایی^۸ حقوق رومی از بنیان اولیه خود حقوقی ذهن گرا تلقی می شود. زیرا مبنای اولیه تقسیم بندی تعهدات بر پایه اصل موسوم به حاکمیت اراده به قرارداد و خطامی باشد. با غلبه مذهب مسیحیت، عنصر تقصیر رنگ و بوی مذهبی نیز به خود گرفت و ویژگی گناه آمیز بودن نیز توسط فیلسوفانی نظیر سن توماس داکن و توماس آکویناس به مفهوم تقصیر وارد شد. مبنای ذهنیت گرایانه وایدآلیستی موجود در افکار و اندیشه های فلسفه رواقی است. چیزیکه در میان اندیشه های حقوقدانان و فیلسوفان سرشناس رواقی چون سنکا نیز قابل رویت است. (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴۵۵) از منظر فلسفه رواقی که آنچه به افعال صفت درست و خطا می دهد اراده و نیت انسان است و گر نه اعمال فی نفسه هیچگونه دلالت ارزشی از حیث درست و نیکو یا نادرست و شر ندارند. (کاپلستون، ۱۳۸۰، ۴۵۷)

۳-۱-۱- خردگرایی

خردگرایی^۹ در فلسفه و حقوق رومی شناسایی وجود تکلیف و نقض سرزنش آمیز آن به طور مستمر بر مبنای خردگرایی استوار بود. از یک طرف شناسایی تکلیف و تعهدات انسان تنها بر پایه نیروی عقل قابل تصور بود. از طرف دیگر نقض هر گونه تکلیف قراردادی یا قانونی در صورتی خطا و مستوجب مسئولیت تلقی می شود که در لحظه ارتکاب فعل، فاعل دارای اراده و کمال عقلانی بوده و بتواند به کمک نیروی خرد، توانایی درک و آگاهی نسبت به معنای عمل و پیش بینی آثار عمل خود داشته باشد.

تاکید حقوقدانان رواقی چون سیسرو و سنکا و گایوس بر تکالیف اخلاقی مبتنی بر عقل طبیعی را می توان از مبانی شکل گیری ساختار مسئولیت مدنی حقوق رومی حول محور تعهد دانست. زیرا در ادبیات حقوق رومی به نحو دنباله داری تا کنون، خطا در مفهوم نقض تکلیف از پیش موجود تعریف شده است. قطعاً تعریف خطا به مثابه نقض تکلیف از پیش موجود، مستلزم قائل شدن به وجود وظیفه یا تکلیفی است که پیش از ارتکاب عمل بر عهده خطاکار بوده است اما وی آن وظیفه یا تکلیف را نادیده می گیرد و مبادرت به نقض آن می نماید. تکلیف از پیش موجود در واقع همان اوامر و نواهی است که قانونگذار برای آن جامعه وضع نموده و منبع اصلی این اوامرو نواهی قانونی نیز بایددها و نبایدهای اخلاقی است. به همین دلیل در حقوق رومی مبنای تفکیک فعل خطا از فعل قرارداد بستن، قانونی بودن و مشروع بودن قرارداد بستن و نامشروع و غیر قانونی بودن خطا است. (Descheemaeker, 2012:3) در واقع از نقطه نظر مکتب رواقی و متأثر از اندیشه های افلاطونی، ذهن و نیروی خرد انسان است که منشأ داوری های ارزشی و اخلاقی انسان درباره درست یا خطا بودن رفتارهای اوست. ممنوعیت های اخلاقی از خود رفتار سرچشمه نمی گیرند بلکه از ذهن انسان و داوری ارزشی او نشأت می گیرند. لذا رفتارهای ممنوعی چون قتل و دزدی و اضرار به غیر به این دلیل خطا تلقی می شوند که ذهن و عقل انسان آنها را نادرست تلقی می کند. از آنجا که عقل انسان نیز موهبتی است که میان

^۸ Subjectivism
^۹ - Rationalism

همه انسانها در تمامی قلمروهای زمانی و مکانی مشترک هست ولذا همه به یک حکم این اعمال را تقبیح و نادرست تلقی می کنند، این تکالیف تکالیفی ثابت و تغییر ناپذیرند فلذا همه انسانها به نحو پیشینی متعهد و مکلف به رعایت آن هستند.

۳-۱- مفهوم درست و خطا در وظیفه گرایی کانتی

تفکر وظیفه‌گرا در اندیشه امانوئل کانت به نقطه اوج خود رسید. بزرگترین فیلسوف عصر روشنگری که معتقد به درستی و خطا بودن اعمال از روی وظیفه فاعل و نه نتیجه فعل یا آثار و پیامدهای آن بود. (کانت، ۱۳۶۷: ۲۰) از نظر کانت وظیفه عبارتست از ضرورت عمل کردن از سر احترام به قانون. (کانت، ۱۳۶۷: ۲۰) در واقع دلیل غیر قانونی بودن خطا، نقض کردن امر قانونی است. خطای اخلاقی نیز از نقطه نظر حقوقدانان نقض تکالیف ثابت و از پیش موجود اخلاقی است. (Misselbrook, 2013: 211 & Boylan, 2019: 63-74) به نحوی که در هر موقعیت اخلاقی انسان می بایست تکلیف اخلاقی درست را بشناسد و از ارتکاب خطای اخلاقی پرهیز کند. بی جهت نیست که اساس شکل‌گیری ساختار حقوق خصوصی در جامعه رومی حول محور تعهد یا تکلیف باشد.

۳-۲- مفهوم درست و خطا در نگاه پوزیتویستی: مکاتب نتیجه‌گرا

بر خلاف حقوق رومی در اروپای جزیره‌ای و کامن‌لا و همچنین حقوق ایالات متحده آمریکا نگاه پوزیتویستی به مفهوم خطا و درست مورد توجه قرار گرفته است. به لحاظ تاریخی مفهوم خطا در دوران اولیه کامن‌لا به دلیل تاثیر پذیری از ساختار ماهوی و نهادی حقوق رومی، همان چیزی بود که در حقوق رومی از آن تحت عنوان خطا یاد می شد. در انگلستان این مسئله از زمان تصویب منشور حقوق بریتانیا^{۱۰} در قرن ۱۳ دنبال شد. در تعریف بسیار مشهور بلکستون از مفهوم خطا در حقوق مدنی که مدتها تعریف رسمی و مرجع در حقوق مسئولیت مدنی کامن‌لا بود، خطای مدنی یا تورت عبارتست از تجاوز به حق^{۱۱} یا منافع خصوصی افراد. این چرخش عظیم در ساختار حقوقی کامن‌لا همراه با تحولاتی بود که در این برهه زمانی در حوزه اخلاقی-فلسفی و حقوقی انگلستان رخ داد که شامل نتیجه‌گرایی و تجربه‌گرایی بود.

۳-۲-۱- نتیجه‌گرایی

بر مبنای نتیجه‌گرایی^{۱۲} معیار داوری در باب درستی یا خطا بودن رفتارهای انسان، توجه به نتایج و پیامدهای عمل است. بر خلاف نظریه رقیب (وظیفه‌گرایی) که درستی یا خطا بودن رفتار را از ذات آن رفتار بر می‌شمرد و معتقد به از پیش موجود و مهیا بودن ملاک شناسایی عمل در لحظه ارتکاب عمل می باشد. خاستگاه فکری

^{۱۰} Magna Carta

^{۱۱} Violence to Right

^{۱۲} Teleology or consequentialism

نتیجه گرایی به کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو باز می گردد که بر خلاف نظریه وظیفه گرایی افلاطون معتقد به بروز خیر یا شر به عنوان نتیجه رفتار بود. همانطور که بحث حقوق طبیعی گفته شد، سنت اخلاقی رواقی در دوران رومی راه وظیفه گرایی افلاطونی را در پیش گرفت. در حقوق رومی نیز خطا در قالب نقض تکلیف از پیش موجود تعریف شد.

۲-۲- تجربه گرایی

نتیجه گرایی اخلاقی باتجربه گرایی^{۱۳} به عنوان ملاک شناخت و آگاهی در علوم در حوزه انگلیسی زبان گره خورده است. بر اساس تجربه گرایی، ملاک ادراک و شناخت ما بر پایه داده های حسی و تجربی است نه انتزاعات ذهنی و عقلی (نواک، ۱۳۸۴: ۱۳) رویکردی که جبهه مقابل تفکرات صالت عقل یا خردگرایی^{۱۴} اروپای قاره ای محسوب می شود. (See: Greiner, 2019: 64-74) تبار شناسی تاریخی اندیشه تجربه گرا به فرانسیس بیکن در قرن ۱۶ باز می گردد. فردی که از یک طرف بنیانگذار روش تجربی در علوم طبیعی بود و از طرف دیگر به عنوان حقوقدانی سرشناس، سالیان متمادی به مانند پدر خود سمت مهرداد سلطنتی پادشاهرا در اختیار داشت. وی پس از سال ها تدریس در کالج حقوق لندن در سال ۱۵۹۹ کتاب مبانی حقوق^{۱۵} را به رشته تحریر در آورد که بعدها اساس تدوین قوانین در انگلیس گردید. (بریه، ۱۳۸۵: ۲۸)

وی روش استقرایی در تمامی علوم بویژه علوم طبیعی برای حصول نتایج علمی صحیح وبدون خطا ابداع کرد. (فروعی، ۱۳۷۵: ۱۱) روشی که مبتنی بر آزمایش تجربی و عملی مصادیق جزئی تا رسیدن به نتیجه قطعی بود. (بریه، ۱۳۸۵: ۳۸ و ۴۹)

از قرن ۱۴ میلادی در انگلیس، نتیجه گرایی تفکر مسلط فلسفه اخلاق حوزه انگلیسی بوده است. نتیجه گرایی در فلسفه اخلاق انگلیسی زبان با تجربه گرایی^{۱۶} گره خورده است. معرفت شناسی تجربی در ملل انگلیسی زبان وجه شاخص و عامل ممیزه آنها از ملل اروپای قاره ای است. (نواک، ۱۳۸۴: ۸) روشی که شناخت معتبر را بر پایه تجربه حسی استوار می داند. (نواک، ۱۳۸۴: ۱۳) این مسئله علی الخصوص از زمان فرانسیس بیکن - فیلسوف و حقوقدان مشهور قرن ۱۶ و پدر تجربه گرایی انگلیسی - نمود بیشتری داشت. (بریه، ۱۳۸۵: ۳۱) بر همین اساس مکاتب اخلاقی نتیجه گرا در ملل انگلیسی زبان در عین حال انعکاسی از تجربه گرایی در شناخت مفاهیم اخلاقی نظیر خیر و شر، درست و خطا نیز هستند. مکاتب اخلاقی-فلسفی نتیجه گرا و تجربی در دوره های مختلف زمانی با تمرکز بر مولفه های عینی و حسی و رد مفاهیم انتزاعی و ذهنی در بریتانیا پدیدار

^{۱۳}-Empiricism

^{۱۴}- Rationalism

^{۱۵}-Maxims of Law

^{۱۶}-Impericism

به مانند پیشینیان حداکثر فایده و حداقل هزینه را نهبر پایه محاسبات منافع فردی، بلکه برمبنای کلیت اجتماعی و عمومی مدنظر می دانست. در واقع از دید او عملی درست تلقی می شود که بیشترین فایده را برای بیشترین افراد و کمترین هزینه را برای کمترین افراد به بار آورد و عملی خطا محسوب است که بیشترین هزینه را برای بیشترین افراد و کمترین فایده را برای کمترین افراد به ارمغان آورد (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۲۶)

فایده گرایی در آثار جان استوارت میل به اوج خود رسید. به حدی که از دروازه های اخلاق عبور کرد و در وادی اقتصاد، حقوق و جامعه شناسی نیز متجلی شد. وی همگام با اندیشه بنتام و تحت تاثیر مفهوم خیر عمومی ارسطو، خوشی وفایده را در معنای اجتماعی و همگانی آن ترسیم نمود. (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۴۷) به عقیده وی اعمال انسان تا آنجا درست و شایسته است که در جهت افزایش خوشی باشد و آنجا نادرست و خطا است که در جهت کاهش خوشی باشد. مراد از خوشی، لذت و فقدان رنج است و مراد از ناخوشی، درد و فقدان لذت است. خوشی هر شخص برای آن شخص خوب و خیر است و لذا خوشی عام برای آن جامعه خوب است (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۴۵).

در اندیشه هربرت اسپنسر نیز تفکر فایده گرایی به عنوان ملاک شناسایی و داروی درباره اعمال درست و خطا قابل مشاهده است. به باور او: «از ابتدا اصالت فایده مکنونی وجود داشته است به این معنی که همواره بعضی اعمال نسبت به انسان و جامعه مفید و بعضی مضر و زیان آور بوده اند. در حوزه اخلاق رفته رفته اخلاق از پیوند با معتقدات غیر اخلاقی آزاد شده و یک نگرش اخلاقی که صرفاً مبتنی بر نتایج و پیامدهای طبیعی و قابل تشخیص اعمال انسان بوده، به بار آمده است». (کاپلستون، ۱۳۷۰: ۱۵۷)

۵-۲- لذت گرایی

لذت گرایی^{۲۴} که خاستگاه فلسفی آن به اپیکور- فلسفه لذت گرای فیلسوف یونانی - باز می گردد، مبنای درستی یا خطا بودن رفتار را در بروز لذت یا رنج به عنوان نتیجه آن رفتار تلقی می کند. منتها لذت و رنج در این رویکرد، مفهومی فردی ندارد. بلکه معنای اجتماعی آن مدنظر است.

جان لاک فیلسوف و حقوقدان انگلیسی مشهور سده ۱۷ از مدافعین این نظریه است. به عقیده او عمل درست و نیک آن است که به ایجاد یا افزودن لذت یا به کاستن رنج منتج شود و عمل خطا و نادرست عملی است که به ایجاد یا افزودن رنج یا کاستن از لذت منتهی گردد. (کاپلستون، ۱۳۸۲: ۱۴۱) در اندیشه بارکلی نیز لذت حسی به عنوان خیر برین مبدا اخلاق است. به عقیده او معیار شناسایی رفتار درست از خطا توجه به داده های حسی حاصل از رفتار (ایجاد لذت یا رنج) است. لذت و رنج مد نظر او به مانند لاک نوعی ملاک عینی و عمومی لذت و رنج بود که همه قادر به درک آن باشند (کاپلستون، ۱۳۸۲: ۲۷۱)

^{۲۴} - Hedonism or Epicureanism

با این حال با توقف توسعه خطای بی احتیاطی، رویکرد وظیفه گرا در کامن لا رو به افول نهاد. با ظهور نظریه مسئولیت محض^{۲۷} در اوایل قرن بیستم رویکرد نتیجه گرا مجدداً در کامن لا احیا گردید. نکته در خور توجه این است که احیای تفکر نتیجه گرا در کامن لای آمریکا متأثر از ظهور مکتب عملگرایی^{۲۸} بود. این مکتب بر خلاف همکیشان سابق خود (اصل لذت و فایده)، در اوایل قرن بیستم در آمریکا متولد شد. درست در همان مکان و زمانی که نظریه مسئولیت محض با دعوای مشهور شرکت بیوک موتورز در ۱۹۱۶ ظهور یافت. به عقیده ویلیام جیمز ملاک شناسایی حق و باطل نسبت به هر معنا، رای، قول و فعلی، تأثیر و نتیجه عملی است که بر آن معنا یا رای یا قول و فعل مرتکب می شود. چنانچه نتیجه آن در عمل سودمند واقع شود حق و درست است و چنانچه فاقد کارایی باشد باطل و خطا است (فروغی، ۱۳۷۵: ۵۵۷).

در آثار جان دیویی مبانی عمل گرایی بسیار مشهود است. تحلیل وی در باب مفهوم ارزش و داوری اخلاقی نشان دهنده بنیان فکری او در باب درست یا خطا بودن اعمال انسان است. وی بر این باور است که داوری درباره ارزشها همانا داوری درباره نتایج و پیامدهای چیزهای تجربه شده است (فروغی، ۱۳۷۵: ۴۰۴).

در میان قضات سرشناس آمریکایی، اولیور وندل هلمز از طرفداران اندیشه عملگرایی بود. به عقیده او اطلاعات ما باید بر پایه نتایج عملی رفتار و منتج از حقایق باشد که به نحو تجربی و علمی قابل مشاهده و ملموس باشند. آنچه خطای عمدی را از غیر عمدی متمایز می کند، آزمایش های خارجی و اوضاع احوالی است که پیامد و نتیجه عملی رفتار فرد است لذا انجام عمل مهم است و نه قصد درونی شخصی که عملی را انجام می دهد. (Hall, 1943: 983)

آنچه در ژرفنای نظریه مسئولیت محض وجود دارد با بنیانهای پراگماتیسم همخوانی دارد زیرا نظریه مسئولیت محض نیز نظریه ای نتیجه گرا است و مبنای اصلی این نوع از مسئولیت نتایج و پیامدهای عملی ناشی از فعالیتهای فوق العاده خطرناک و تولیدات معیوب است. فعالیتهایی که به نحو تجربی و عینی ثابت شده اند که دارای آثار و پیامدهای خطرناکی برای سلامتی انسان هستند نظیر فعالیتهای هسته ای، رادیو اکتیو، و مضرات ناشی از تولید کالای معیوب. به طور کلی در حقوق کامن لا، یک عمل با رجوع به آثار و نتایج آن تعریف می شود.

ب- مبانی فلسفی مفهوم درست و خطا در حقوق و فلسفه اسلامی

آنچه در مباحث قبلی گذشت بیشتر ناظر بر مباحث حوزه حقوق غرب بود. در مباحث مربوط به کلام اسلامی و فلسفه وضع احکام، بحث های تفصیلی بسیاری در مورد حسن قبح ذاتی، فعلی و شرعی احکام شده است. در اینجا غرض تکرار آن مباحث نیست. در ادامه راقم سطور بر یک بحث مهمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است متمرکز گردیده و آن بحث غایت گرایی اخلاقی است. می دانیم، توجه به ریشه های فلسفی مفهوم

²⁷ -Strict Liability
²⁸ - Pragmatism

خطا را باید در اهداف و مقاصد تشریع در قرآن و سنت جست. مبانی اولیه شناسایی مفهوم فلسفی و اخلاقی خطا در نظام فقهی در مفهوم «مقاصد شریعت» نهفته است. به دیگر سخن بر این مبنا معیار درست یا خطا بودن عملی در اسلام، بستگی به مصلحت یا مفسده‌ای است که به عنوان پیامد آن عمل منتج می‌شود.

۱- تعلیل پذیری احکام در چارچوب نظریه مقاصد الشریعه

در نظام فقهی اسلامی، بخش اعظم احکام تشریعی تعلیل پذیر بوده و هریک برای جلب نوعی مصلحت یا دفع مفسده‌ای بنیان نهاده شده‌اند. به عبارت دیگر هر یک از احکام اسلامی دارای مقصد یا غایتی است. غایاتی که هدف از وضع احکام آن حفظ آنها است. در نظام فقهی به این غایات اصطلاحاً مقاصد شریعت اطلاق می‌شود. مقاصد شریعت در واقع علمی است که در پیوند با تشریع قرار دارد و از اهداف کلی یا هدف‌های مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام سخن می‌گوید. (زمانی، ۱۳۹۳: ۳۰ و ۴۹) غزالی در کتاب المستصفی فی علم الاصول، مقاصد شریعت را در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینیات طبقه بندی می‌کند. در بخش ضروریات وی مقاصد پنجگانه را ذکر می‌کند که به عقیده او هدف از تشریع در هر مکان و زمانی از این پنج صوت خارج نیست: ۱- حفظ دین ۲- حفظ نسل ۳- حفظ عقل ۴- حفظ نفس ۵- حفظ مال. (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۷۴) پس از غزالی تقریباً در کلیه کتب فقهی اهل تسنن و تشیع مقاصد پنجگانه وی مورد رسمیت و شناسایی قرار گرفت. من جمله امام شاطبی که به سبک غزالی مقاصد شریعت را بیان نمود. (شاطبی، ۱۴۲۲: ۵-۸) نظیر شهید اول که در کتاب القواعد و الفوائد خود، مقاصد یا ضروریات خمس را چنین برشمرده است: حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال. برای مثال گفته شده است که احکام راجع به قصاص و دیات برای حفظ نفس هستند و احکام راجع به غصب و سرقت و اتلاف برای حفظ مال است. (شهید اول، بی تا، ۳۸-۳۷)

۲- تکرر در مقاصد و غایت گرایی اخلاقی

مبنای تکرر در مقاصد به اعتبار آثار و نتایجی است که از عمل انسان بروز می‌یابد و شارع از برای جلب مصلحت و دفع مفسده برای آن اعمال حکمی تعیین می‌کند. این مسئله گویای رویکرد اخلاقی غایت‌گرایانه و نتیجه‌گرایانه در نظام فقهی است. (شیروانی، ۱۳۷۸: ۴۳-۳۷) فلسفه اخلاق اسلامی از ابتدای شکل‌گیری خود در دوران نهضت ترجمه آثار یونانی بسیار متأثر از نظریه غایت‌گرایانه ارسطو بوده است. نظیر آنچه فارابی ابن سینا، ابن رشد، ابن مسکویه با طرح مفاهیمی چون فضیلت، خیر همگانی، عدالت به مثابه توزیع همگانی خیر، سعادت غایی مطرح کرده‌اند. (فخری، ۱۳۸۴: ۳) بر همین اساس است که به عقیده متفکرین اسلامی، نظام اخلاقی و فقهی اسلامی، نظامی غایت‌گرا است، زیرا مبتنی بر آثار و پیامدهای عمل استوار است.

پیامدگرایی در فلسفه اخلاق اسلامی از یک طرف، مبتنی بر نوعی خودگرایی اخلاقی است و اعمال را از حیث نتایج خوب یا بد آن برای فاعل عمل به درست و خطا تقسیم می‌کند در متون دینی ما (اعم از آیات و روایات)

در مقام تشویق و دعوت به انجام کارهای خیر، بر این نکته تاکید شده است که این کارها موجب سعادت، آسایش، اطمینان، فلاح، فوز و مانند آن می‌گردد. یعنی اینکه این کارها بایستنی است و انسان باید به انجام آنها اهتمام ورزد، آن است که موجب سعادت او می‌گردد، و این عین غایت انگاری است. انسان به عنوان موجودی مختار و آگاه در افعال خود غایت داشته هر کاری را به هدفی و برای برآوردن غرضی انجام می‌دهد. (شیروانی، ۱۳۸۸: ۲)

از طرف دیگر در سطوح اجتماعی، پیامدگرایی در اخلاق اسلامی مبتنی بر نوعی دیگرخواهی است که اعمال را از حیث نتایج و پیامدهای آن در جامعه، واجد صفت درست و نادرست می‌داند. مقاصد پنجگانه حفظ نفس، مال دین عقل و نسل هم مبتنی بر نوعی غایت گرایی خود محورانه است. زیرا برای مثال خودکشی را هم به دلیل حفظ نفس عملی قبیح و خطا تلقی می‌کند، هم بر پایه پیامدهای آن در جامعه و افراد دیگر. نظیر قتل یا غصب یا اتلاف مال غیر که به دلیل حفظ نفس و مال دیگر انسان‌ها عملی نادرست تلقی می‌شود. یعنی درستی یا خطا بودن عملی بستگی به مصلحت یا مفسده‌ای است که از آن عمل منتج می‌شود. از لفظ مقاصد در اصطلاح مقاصد خمس و عناوین مقاصد نیز غایت گرایی یا مقصد گرایی نمایان است. زیرا مقاصد، معرف غایاتی هستند که شارع از برای حفظ آنها (مصلحت) و جلوگیری از ورود ضرر و صدمه آنها (دفع مفسده) اقدام به وضع احکام می‌نماید. (تقدیسی، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

در نظام فقه امامیه، مقاصدی که شارع از برای مصالح و مفاسد اقدام به وضع احکام می‌کند، در واقع منافی یا اموری هستند که متعلق حق قرار می‌گیرند. برخی از این مقاصد متعلق حقوق اشخاص در برابر اشخاص هستند. نظیر نفس و مال و عرض. به این حق‌ها اصطلاحاً در نظام فقهی ما **حق الناس** اطلاق می‌شود. همچنین برخی از مصادیق مقاصد غایاتی هستند که متعلق حقوق شارع در برابر افراد بوده و شارع از برای حفظ آنها اقدام به وضع احکام می‌نماید. نظیر حفظ دین، نسل و عقل. این دسته از مقاصد **حق الله** نامیده می‌شود. (شیخ طوسی - المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۸، ص ۱۶۳؛ القواعد و الفوائد: فی الفقه و الاصول، قسم ۲، ص ۴۲). بر همین اساس می‌توان مبدا آغازین طبقه بندی موضوعی در فقه اسلامی را **حول محور حق استوار دانست** و سپس براساس متعلق حقها به دو طبقه حقهای عمومی (حق الله) / حق های خصوصی (حق الناس) تقسیم نمود. بطور خلاصه در این نظام حقوقی عملی که نتیجه یا پیامد آن **نقض یا تجاوز به حق (حق الله یا حق الناس)** از پیش موجود باشد، حسب مورد موجب عقوبت یا ضمان خواهد بود. چنانچه عملی موجب نقض (حق الله) گردد، موجب عقوبت خواهد گردید. اما اگر رفتاری موجب نقض حق الناس شود، موجب ضمان خواهد شد

در مجموع دستاورد نتیجه گرایی و حق محوری این است که در نظام فقهی هر نوع رفتاری که نتیجه آن، صدمه به حقها و منافع مورد حمایت انسان دیگری شود و خود زیان دیده در بروز این صدمه **اقدام واذنی** نداشته باشد، فعلی خطا محسوب گردیده و موجب ضمان به جبران خسارت وارده خواهد بود و کافی است

بتوان آن ضرر وارده را به نحو علی و معلولی به فعل مرتکب منتسب دانست (حسینی مراغه ای- ۱۴۱۷ق-ص ۳۳۵ و نجفی- ۱۴۱۳ق-صص ۶۲-۶۱، نائینی-المکاسب والبیع-ج ۲-ص ۲۸۴، شیخ انصاری-مکاسب-ج ۳-ص ۱۸۱، امام خمینی-تحریرالوسیله-ج ۲-ص ۱۷۳). بنابراین بر خلاف مفهوم خطا در حقوق رومی که بر اساس نقض تکلیف پیشین استوار است، وجود عنصر روانی در کیفیت رفتار زیان زننده تحت عناوین تقصیر (عمد و بی احتیاطی) به دلیل تکلیفی نبودن حکم ضمان، اصولاً در تحقق ضمان قهری جبران خسارت نقشی ندارد

ج: مفهوم خطا در نظام حقوقی ایران:

در نظام حقوقی ایران با توجه به اقتباس از دو منبع حقوق رومی و نظام فقهی، شاهد ترکیبی از عناصر نقض تکلیف و نقض حق در قوانین مختلف ایران هستیم. در قانون مدنی از یک طرف با پذیرش ساختار طبقه بندی تعهدات و قرار گرفتن ضمان قهری ذیل الزامات خارج از قرارداد، میتواند مبین رویکرد وظیفه گرا و متمرکز بر نقض تعهد یا تکلیف باشد اما از طرف دیگر با پذیرش موجبات متکثر ضمان فقهی در ماده ۳۰۷، مبدأ آغازین طبقه بندی ساختار مسئولیت مدنی میتواند در چهارچوب نقض حق (ضمان) و موجبات آن تعریف و شناسایی شود. (کشاورز-۱۳۹۸-صص ۲۶۹-۲۷۳)

در قانون مسئولیت مدنی، اصطلاح مسئولیت مدنی، مبین نگرش نظام رومی به مفهوم خطا و ساختار دو گانه /دو وجهی آن است. خطا در قانون مسئولیت مدنی ایران متأثر از نظام رومی، در مفهوم نقض تقصیر آمیز تکلیف از پیش موجود قابل شناسایی است. در ماده ۱ این قانون تقصیر ملاک واحد مسئولیت مدنی به شمار رفته است. سخن از مسئولیت و تقصیر اساساً در حالتی میتوانند مطرح باشند که تکلیف از پیش موجودی به نحو سرزنش آمیز نقض شود تا ضمانت اجرای آن مسئولیت به بار آورد (-کاتوزیان-۱۳۷۸-ج اول-ص ۳۳۹ و یزدانیان-ج اول-۱۳۸۶-ص ۳۸، ۱۳۴). واژه مسئولیت بطور ضمنی تداعی گر مفهوم وظیفه یا تکلیف پیشینی است که به دلیل عدم رعایت تکلیف، موجب تحقق پاسخگویی (مسئولیت) و بازخواست بخاطر نقض وظیفه مربوطه می شود. بر همین اساس می توان گفت با توجه به واژه های بکار گرفته شده ای چون مسئولیت مدنی و تقصیر، خطای مدنی در مفهوم نقض سرزنش آمیز تکلیف از پیش موجودی است که به دلیل بروز زیان برای دیگری موجب واکنش نسبت به خطارکار در قالب مسئولیت مدنی می شود

در قانون مجازات اسلامی به دلیل احیای نهادهای سنتی و فقهی امامیه، ساختاری دوگانه حول ثنویت حق الله/حق الناس و دو وجهی بر اساس حق (حق اولیه بر نفس یا مال/حق ثانوی یا ضمان که در اثر نقض حق اولیه پدید می آید، شکل گرفته است. برای نمونه مطابق ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی جدید «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصل شده مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود». در این ماده به صراحت تمام رویکرد نتیجه

گرایانه نظام فقهی در قانون مجازات اسلامی هویدا است زیرا مبنای ضمان تحقق خطا یا تقصیر در مفهوم رومی کلمه (نقض تکلیف پیشین) نیست بلکه جنایت به صرف نقض حق و قابلیت انتساب نتیجه (نقض حق) به فعل مرتکب، محقق می شود. همچنین نتیجه گرایی و مسئولیت سببی از دید قانون گذار در هر دو نوع از شیوه اتلاف - یعنی اتلاف بالمباشره و بالتسبیب مبنای اصلی مسئولیت تلقی می شود - آقایی نیا - ۱۳۹۲ - ص ۵۶ و میر محمد صادقی - ۱۳۹۲ - ص ۴۸).

در مجموع می توان گفت نوعی تضاد بنیادین در خصوص مفهوم خطا در نظام حقوقی ایران به چشم می خورد. از یک طرف متأثر از حقوق رومی، مفهوم خطا در چهارچوب نقض تکلیف پیشین قالب بندی شده است. اصطلاح مسئولیت مدنی یا کیفری به وضوح نمایانگر مفهوم خطا در قالب نقض تکلیف پیشین است. از طرف دیگر با الهام از نظام فقهی مفهوم خطا در قالب نتیجه گرایانه نقض حق چهارچوب بندی شده است. اصطلاح ضمان در قواوین مختلف موید رویکرد حق محور خطا محسوب می شود. نمونه بارز اختلاف میان این دو رویکرد، ضمان یا مسئولیت مجبورین است که از یک طرف مطابق ماده ۱۲۱۶ که برگرفته از نظام فقهی است، مجبور شخصاً ضامن جبران خسارت است و از طرف دیگر مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی که از حقوق آلمان اقتباس شده است، به دلیل عدم ارتکاب تقصیر از سوی مجبور (عدم قابلیت آگاهی از معنا و پیامدهای عمل) و فقدان تکلیف پذیری در وی، والدین یا سرپرستان به دلیل تقصیر در مراقبت از مجبورین (نقض تکلیف پیشین به مراقبت) مسئول جبران خسارت وارده هستند (کشاورز - منبع پیشین - ص ۲۸۲، ۲۹۷، ۳۵۶).

نتیجه گیری

آنچنان که بحث گردید، در حقیقت باز پژوهی این سؤال بود که مفهوم درست یا خطا بودن در نظام های حقوقی از چه مبانی استوار است. در پاسخ دیدیم که در مکاتب فلسفی کلان حقوق، دیدگاه های مختلفی در خصوص مبنای درست یا خطا بودن عمل وجود داشت. و هر کدام از مکاتب مبنای متفاوتی را در این خصوص پذیرفته اند. یک نتیجه گیری اساسی که از این پژوهش می توانیم بگیریم این است که مسئله درست یا خطا بودن یک فعل امروزه صرفاً در چارچوب مباحث اخلاقی قرار نمی گیرد، بلکه این بحث مفهومی به شدت اخلاقی - حقوقی است و می تواند آثاری در نظام حقوقی داشته باشد. بنابراین به عنوان یک نتیجه گیری کلی می توان گفت این امر منجر به ایجاد آثار حقوقی مختلف در دو نظام حقوقی رومی - ژرمنی و کامن لا در طول تاریخ تحولات حقوقی شده است. آنچه امروزه در قالب وظیفه گرایی، در کشورهای حقوق نوشته می بینیم، در واقع میراث رومی ها و یونانی ها است که در باب اندیشه قانون به ارث برده اند. همین آثار به شکلی دیگر در مکاتب پراگماتیستی و عمل گرایی انگلیسی و آمریکایی نیز آثار خود را نهاده است. در حوزه انگلیسی زبان از قرن ۱۷ به بعد تمرکز بر رویکرد آثار و نتایج بیرونی و ملموس یا عینی رفتارهاست که ملاک ارزش گذاری اعمال از حیث درست یا خطا بودن آنها محسوب می شود. حقوق اسلامی نیز متأثر از اخلاق ارسطویی، نظامی مقصد گرا (نتیجه گرا) به شمار می آید که بر پایه جلب مقاصد خمس و دفع مفسده از آنها استوار است.

مفهوم خطا در نظام حقوقی ایران ترکیبی از وظیفه گرایی حقوق رومی و نتیجه گرایی نظام فقهی است. رهاورد این ترکیب دوگانه، بروز تضاد در مبنای طبقه بندی نظام حقوقی ایران است چرا که به دلیل تفاوت‌های بنیادین مفهوم خطا در چهارچوب نقض تکلیف و نقض حق، امکان سازگاری مفهومی میان این دو رویکرد وجود ندارد. نقض تکلیف رویکردی وظیفه گرا و متمرکز بر موقعیت فاعل رفتار حین ارتکاب عمل است در حالیکه نقض حق رویکردی نتیجه گرا و مبتنی بر پیامدهای رفتار بر روی حقهای افراد دیگر است صرف نظر از موقعیت و وضعین ذهنی یا روانی فاعل آن.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- بابایی و کشاورز، (۱۳۹۶)، «مفهوم خطا و نقش آن در ساختار طبقه بندی مسئولیت مدنی؛ مقایسه حقوق رومی، کامن لاو ایران»، دیدگاههای حقوقی و قضایی، ش ۷۹ و ۸۰.
- ۲- بریه، امیل، (۱۳۸۵)، تاریخ فلسفه، ترجمه اسماعیل سعادت، نشر هرمس.
- ۳- تقدیسی، محمد، (۱۳۸۹)، «تحلیل و بررسی سودگرایی و نقد آن از منظر اخلاق اسلامی»، پایاننامه کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق در دانشگاه قم.
- ۴- زمانی، محمد حسن و قیام الدین، (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی مقاصد شریعت»، فصلنامه حبل المتین - دوره سوم، شماره ششم، شماره بهار.
- ۵- شیروانی، علی، (۱۳۷۸)، «ساختار کلی اخلاق اسلامی»، مجله قبسات پاییز ۱۳۷۸ - شماره ۱۳.
- ۶- فخری، ماجد، (مترجم)، معماریان، جهانداد، (مترجم)، (۱۳۸۴)، اخلاق در فلسفه اسلامی، مرکز اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۷- فروغی، محمد علی، (۱۳۷۵)، سیر حکمت در اروپا، نشر البرز.
- ۸- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۰)، تاریخ فلسفه، جلد هشتم، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، نشر علمی و فرهنگی.
- ۹- کاپلستون، فردریک، (۱۳۸۰)، تاریخ فلسفه، جلد اول، یونان و روم، ترجمه: مجتبی، سید جلال الدین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.

۲۶- نائینی-محمد تقی، المكاسب والبيع-ج ۲، مؤسسه نشر اسلامی، بیتا

۲۷- نجفی، محمدحسن، (۱۴۱۳ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی-بیروت

References:

1. Ansari, Morteza, Al-Makasab, Vol. 3, The Heritage of Sheikh Al-Azam(in Arabic)
2. Babaei and Keshavarz, (2016), "The concept of error and its role in the classification structure of civil responsibility; Comparison of Roman Law, Common Law of Iran", *Legal and Judicial Perspectives*, Vol. 79 and 80.(in Persian)
3. Bera, Emil, (2005), History of Philosophy, translated by Ismail Saadat, Hermes Publishing. .(in Persian)
4. Boylan, M. (2019). Deontology with Selections from Kant's Groundwork of the Metaphysics of Morals. In *Teaching Ethics with Three Philosophical Novels* (pp. 63-74). Springer, Cham. .(in Persian)
5. Bruce N. Waller.(2007). Consider Ethics: Theory, Readings, and Contemporary Issues, Pearson,Longman. .(in Persian)
6. Caplestone, Frederick (1985), History of Philosophy, Volume 8, translated by Bahauddin Khorramshahi, Scientific and Cultural Publication. .(in Persian)
7. Cartledge, P., Millett, P., & Todd, S. (Eds.). (1990). *Nomos: essays in Athenian law, politics and society*. Cambridge University Press.
8. Cohen, C., 1959. Criminal Responsibility and the Knowledge of Right and Wrong. *U. Miami L. Rev.*, 14, p.30.
9. Copleston, Frederick, (2013), History of Philosophy, Volume I, Greece and Rome, translation: Mojtboi, Seyyed Jalaluddin, Scientific and Cultural Publications, 2013. .(in Persian)
10. Descheemaeker ,Eric. (2012). the Roman Division of Wrongs: A New Hypothesis-University of Edinburgh,School of Law, and February 10, 2012.

11. Fakhri, Majed, (Translator), Memarian, Jahandad, (Translator), (2005), Ethics in Islamic Philosophy, Information Center of Islamic Culture and Communication Organization, 1384. .(in Persian)
12. Farughi, Mohammad Ali, (1998), The Path of Wisdom in Europe, Alborz Publishing. .(in Persian)
13. Fried, C. (1976). Right and Wrong--Preliminary Considerations. *The Journal of Legal Studies*, 5(2), 165-200.
14. Ghazali, Muhammad, (1417 A.H.), al-Mustafafi fi ilm al-usul, Beirut, Al-Rasalah Institute.(in Arabic)
15. Greiner, D. J. (2019). The New Legal Empiricism & Its Application to Access-to-Justice Inquiries. *Daedalus*, 148(1), 64-74.
16. Hall, Jeromy,(1943) Interrelation of Criminal Law and Tort, Columbia Law Review.
17. Javid,Mohamad Javid,(2007), " Fundement philosophiques du droitnaturel clasique" ,*Revue Irannienne de Droit Constitutionnel*,N°8. .(in Persian)
18. Kant, Immanuel, (1983), our foundation after nature of ethics, translator: Hamid Enayat, Khwarazmi publishing company. .(in Persian)
19. Katouzian, Nasser, (2008), requirements outside the contract - first volume: civil responsibility , Tehran University Press. .(in Persian)
20. Kelly, John, (2003), A Brief History of Legal Theory in the West, translated by Rasakh, Mohammad, New Design Publications. .(in Persian)
21. Kenneth W Simons,(1996). Deontology, Negligence, Tort, and Crime, University of California.
22. Keshavarz, Ismail, (2018), Civil Liability Structure, Majd Publications. .(in Persian)
23. Magee, Brian, (1999), Great Philosophers; Acquaintance with Western Philosophy, translated by Izatollah Foulad Vand-Nashar Khawarizmi. .(in Persian)
24. Maraghei, Mir Abdul Fattah (1417 AH), Al-Anaween al-Faqhiyyah, Al-Nashar al-Islami Institute, Qom.(in Arabic)

25. Mousavi Khomeini Ruhollah Mousavi Khomeini (1983), *Tahrir al-Wasila*, Qom: Qom seminary seminary community, Islamic publications office. (in Arabic)
26. Mozaheri Saif, Hamidreza, (2008), "Consequentialist ethics: in search of the dimensions of Islamic morals" *Pagah Hozha* 2017 number 245. .(in Persian)
27. Najafi, Mohammad Hasan, (1413 AH), *Jawaharlal Kalamfi, Commentary on Islamic Laws*, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi-Beirut. (in Arabic)
28. Novak, George, (2004), *Empiricist Philosophy*, translated by Parviz Babaei, Azadmehr Publishing. .(in Persian)
29. Qari Seyyed Fatemi, Seyed Mohammad and Ali Mashhadi, (2008), "Developments in the Theory of Modern Natural Law", *Legal Research Quarterly*, Qom University, No. 2. .(in Persian)
30. Shatbi, (1422 AH), *Al-Mawafaat fi Usul al-Sharia*, second volume. Beirut.(in Arabic)
31. Shirvani, Ali, (2000), "The overall structure of Islamic ethics", *Qobsat* magazine fall 1378 - number 13. .(in Persian)
32. Taghedisi, Mohammad, (2008), "Analysis and review of utilitarianism and its criticism from the perspective of Islamic ethics", Master's thesis in moral philosophy at Qom University. .(in Persian)
33. Wakes, Raymond, (2009), *Philosophy of Law*, translated by Baqer Ansari and Muslim Aghaei Touq, Jangal Publishing House.
34. Yazdaniyan-Alireza (2006), *General rules of civil liability*, first volume, Nashmirizan-.(in Persian)
35. Zamani, Mohammad Hassan and Qiamuddin, (2013) "Comparative study of the objectives of the Sharia", *Habal al-Mattin Quarterly*, 3rd period, 6th issue, spring issue. .(in Persian)

منابع لاتین

- 24-Boylan, M. (2019). Deontology with Selections from Kant's Groundwork of the Metaphysics of Morals. In *Teaching Ethics with Three Philosophical Novels* (pp. 63-74). Springer, Cham.
- 25-Bruce N. Waller.(2007). Consider Ethics: Theory, Readings, and Contemporary Issues, Pearson, Longman.
- 26-Cartledge, P., Millett, P., & Todd, S. (Eds.). (1990). *Nomos: essays in Athenian law, politics and society*. Cambridge University Press.
- 27-Cohen, C., 1959. Criminal Responsibility and the Knowledge of Right and Wrong. *U. Miami L. Rev.*, 14, p.30.
- 28-Descheemaeker ,Eric. (2012). the Roman Division of Wrongs: A New Hypothesis-University of Edinburgh, School of Law, and February 10, 2012.
- 29-Fried, C. (1976). Right and Wrong--Preliminary Considerations. *The Journal of Legal Studies*, 5(2), 165-200.
- 30-Javid,Mohamad Javid,(2007), " Fundement philosophiques du droit naturel clasique", *Revue Irrannienne de Droit Constitutionnel*,N°8.
- 31- Hall,Jeromy,(1943) Interrelation of Criminal Law and Tort, Columbia Law Review.
- 32-Greiner, D. J. (2019). The New Legal Empiricism & Its Application to Access-to-Justice Inquiries. *Daedalus*, 148(1), 64-74.
- 33-Kenneth W Simons,(1996). Deontology, Negligence, Tort, and Crime, University of California.
- 34-Rickaby, J. (1923). *Moral philosophy: Ethics, deontology and natural law*. Longmans, Green.
- 35-Misselbrook, D. (2013). Duty, Kant, and deontology. *Br J Gen Pract*, 63(609), 211-211.
- 36-Monsengwo, L., & Pasinya, L. M. (2005). *La notion de nomos dans le Pentateuque grec* (Vol. 52). Gregorian Biblical BookShop.
- 37-Stephen. Rev.M.(2007). Christian Ethics, Issues and Insights, Ashok Kumar mittal.
- 38- Wieacker, Franz.(1981).”The Importance of Roman Law for Western Civilization and Western Legal Thought” , Boston College International and Comparative Law Review,Volume 4 , Issue 2.
- 39-Simons, K. W. (1996). Deontology, negligence, tort, and crime. *BUL Rev.*, 76, 273.

40-Zimmermann, Reinhard.(1996). Law of obligation, Roman Foundation of civil Tradition, Oxford.